

تداوم اعتراضات اعتصابات کارگری و اعتصاب عمومی



صحنه ای از اعتراضات کارگران ذوب آهن

صدای انترناسیونالیستی

با وجود سرکوب لجام گسیخته دولت پلیسی، اعتراضات همچنان ادامه دارد. برخلاف اعتراضات خیابانی قبلی که با توحش پلیسی سرکوب شدند، این بار سرکوب نه تنها نتوانسته است اعتراضات را خفه کند بلکه هر جان باختنی، مثل بنزین بر آتش، موجب شعله‌ور شدن بیشتر اعتراضات نیز میشود. جنایتکاران بورژوازی اسلامی تنها با کشتار و خونریزی سازمانیافته توانستند حاکمیت ننگین خود را مستقر کنند و سرکوب عریان بخشی جدایی ناپذیر از عملکرد روزانه بورژوازی جنایتکار اسلامی بوده است.

تداوم اعتراضات باعث شده تا اعتراضات به شهرهای کوچک گسترش پیدا کند. اما تداوم اعتراضات به تنهایی منجر به سقوط رژیم نخواهد شد و بورژوازی کثیف اسلامی می‌تواند با سرکوب لجام گسیخته و خسته کردن معترضان به عمر ننگین خود ادامه دهد، تنها ورود طبقه کارگر به عنوان طبقه اجتماعی به اعتراضات اجتماعی است که میتواند معادله را عوض کند.

از راست راست تا چپ چپ می‌دانند که بدون پیوستن طبقه کارگر به اعتراضات اجتماعی، بورژوازی اسلامی در درازمدت قادر به سرکوب آن خواهد شد. از سلطنت طلبان تا قوم پرستان، از حزب توده، سازمان اکثریت [۱] تا فرقه‌های منتسب به کمونیزم کارگری خواهان اعتصاب عمومی هستند. در شبکه‌های اجتماعی نیز هشتگ اعتصاب سراسری رو به افزایش است.

اینها در تبلیغات خود، اعتصاب کسبه و بازاریان در شهرهای مختلف را اعتصاب سراسری قلمداد کرده، عکس‌های آن را پخش کرده و می‌خواهند طبقه کارگر نیز به این «اعتصاب عمومی» بپیوندد تا رژیم آخوندها زودتر سرنگون شود. اعتراض را تا سطح آخوند، حجاب و ضد رژیم تنزل میدهند. بورژوازی کثیف اسلامی باید به زیر کشیده شود نه بخاطر اینکه یک رژیم سکولار جایگزین رژیم مذهبی شود بلکه بخاطر اینکه سرمایه‌داری را باید به زیر کشید و به توحش سرمایه‌داری با هر گونه روبنای ایدئولوژیک (مذهبی، سکولار و...) پایان داد.

برخلاف عوامفریبی‌های گرایش‌های راست و چپ سرمایه، نه بازاریان، نه کسبه بلکه این طبقه کارگر است که باید اعتصاب عمومی را سازمان دهد. اعتصاب عمومی تنها میتواند بدنبال یکسری اعتراضات و اعتصابات ممتدد کارگری شکل بگیرد تا بتواند اکثریت توده‌های طبقه کارگر را بدنبال خود بکشد. اعتصاب عمومی، از یک سو، باید بتواند تولید کالا یا ارائه خدمات را در جامعه تحت تاثیر قرار دهد، قدرت طبقه کارگر را نشان دهد و از سوی دیگر باعث میشود مبارزه طبقاتی به سطح عالی‌تری ارتقاء یابد.

به عبارت بهتر، اعتصاب عمومی مقطعی از مبارزه طبقه کارگر است که در آن، مبارزه طبقه کارگر وارد مرحله عالی تری میشود که بیانگر سطحی از آگاهی طبقاتی طبقه کارگر و میزان تشکل یابی آن است که با اعتصاب عمومی مهر و نشان طبقاتی خود را بر مبارزه طبقاتی میزند. اگر جامعه بسوی قدرت دوگانه در حرکت باشد، در جریان اعتصاب عمومی و از دل کمیته‌های اعتصاب، شوراهای کارگری به عنوان ارگان‌های اعمال قدرت کارگری ظاهر خواهند شد.

در روزهای اخیر ما شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری بودیم که ویژگی مشترک همگی آنها، اعتراض به سطح نازل دستمزدها و دفاع از سطح معیشت شان بوده است. شعار کارگران اعتصابی ذوب آهن اصفهان «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» انعکاس شرایط سخت زندگی کل طبقه کارگر است. تنها چند نمونه از اعتصابات کارگری که همان خواسته را داشتند و یا دارند به قرار زیر است:

- اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان
- اعتصاب غذای کارکنان رسمی نفت، گاز، پالایش و پخش و پتروشیمی
- اعتصاب کارگران مجتمع سیتی سنتر اصفهان
- اعتصاب کارگران کارخانه سیمان آباده در استان اصفهان
- اعتصاب کارگران آب معدنی داماش در استان گیلان
- اعتصاب کارگران شرکت پارس مینو
- اعتصاب کارگران شرکت صنعتی کروز
- اعتراض کارگران گروه ملی فولاد

شاید اظهار شود در حالیکه «مردم» در اعتراضات به خون غلتیده میشوند، طبقه کارگر با این اعتصابات تنها بدنبال منافع اقتصادی خود است و وارد مبارزه سیاسی نمیشود. در عصر انحطاط سرمایه داری، عصر امپریالیسم، ما فقط یک نوع مبارزه طبقاتی داریم. بیش از صد سال قبل روزا لوکزامبورگ در اثر خود تحت عنوان «اعتصاب توده ای، حزب و انقلاب» به این مسئله چنین تاکید میکند:

"برای طبقه کارگر دو نوع مبارزه طبقاتی متفاوت، یک مبارزه اقتصادی و یک مبارزه سیاسی وجود ندارد. بلکه فقط یک مبارزه طبقاتی وجود دارد که در آن واحد که استثمار سرمایه داری را در درون جامعه بورژوائی محدود میکند تلاش مینماید که بطور کلی استثمار و جامعه بورژوائی را براندازد."

اینکه طبقه کارگر با هزاران اعتراض و اعتصاب کارگری سالانه و با وجود این رزمندگی، دستاوردهای بسیار ناچیزی داشته است و مبارزه کارگری به سطح عالی تری ارتقاء نمی یابد بیانگر این واقعیت تلخ است که جز مقاطع کوتاهی (پائیز ۱۳۹۷) متأسفانه اعتراضات همیشه در محل کار ایزوله شده است. ایزوله شدن اعتراضات و اعتصابات کارگری از همدیگر باعث شده طبقه کارگر نتواند از همبستگی طبقاتی خود استفاده کند و بعنوان یک قدرت کارگری مهر خود را بر تحولات بزند. لذا در اکثر موارد با وعده‌های تو خالی مدیریت، اعتصاب خود را شکسته است.

واقعیت انکار ناپذیر این است که تنها طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی است که میتواند به نکت جهان سرمایه داری پایان دهد، اگر و تنها اگر این غول خفته به هویت طبقاتی خود بعنوان یک نیروی اجتماعی مستقل در تحولات جامعه واقف شود و مبارزه مستقل خود را پیش ببرد، چرا که طبقه کارگر حملات بورژوازی را تنها از زمین طبقاتی خودش، میتواند دفع کند.

طبقه کارگر باید ابتکار اعتراضات را در مبارزه ضد سرمایه داری به دست گیرد، اعتراضات خیابانی و اعتراضات دانشجویی را مکمل مبارزات خود کند. در چنین شرایطی اعتراضات خیابانی و اعتراضات دانشجویی در راستای مبارزه طبقاتی و در خدمت مبارزه طبقاتی قرار خواهند گرفت و بخشی از مبارزه طبقاتی خواهند بود.

طبقه کارگر باید مبارزه مستقل خود را با اهداف طبقاتی پیش ببرد و نباید سیاهی لشکر جنبش ضد دیکتاتوری شود. ما باید بخاطر منافع طبقاتی خودمان بجنگیم. ما نباید سیاهی لشکر «گوادلوپ» [۲] دیگری بشویم. هم اکنون امپریالیستها کنفرانس هالیفاکس [۳] را برگزار کردند و در حال تولید «چهره‌های سرشناس»، «مخالفین سرشناس»، «فعالین برجسته» و ... هستند. گرایش‌های راست و چپ سرمایه نیز می خواهند اعتصاب سراسری طبقه کارگر سکوی پرشی برای جابجایی روبنای سیاسی جامعه انجام گیرد. اگر زمانی هم در تبلیغات شان خواستار اداره شورایی جامعه هستند، صرفاً بخشی از پروپاگاندا آنها است. منظورشان از اداره شورایی، خودگردانی چون روزآوا در سایه قدرتهای امپریالیستی است. در یک قدرت شورایی واقعی باید تمامی امپریالیست‌ها علیه آن باشند، همچون قدرت جوان شوراها که تمامی قدرت امپریالیستی برای مهار انقلاب اکتبر و جلوگیری از گسترش آن، حمله نظامی علیه آن سازمان دادند. یکی از رهبران حزب کمونیست منظورشان از اداره شورایی را بخوبی توضیح میدهد، اشاره به کمون پاریس و انقلاب اکتبر صرفاً برای آماده سازی ذهن برای پذیرش قسمت اصلی نوشته است، او می نویسد:

"گزینه‌ی انقلابی باید با حضور نیروی سازمانیافته، مسلح و انقلابی و آگاه و پیشتاز جامعه، به سرمایه‌داران و مرتجعین پذیرانده شود. نمونه‌ی چنین راه کار انقلابی کمون پاریس و انقلاب اکتبر و اکنون با خودگردانی

شورایی در روژآوا در شمال و شرق سوریه در پیش روی ما قرار دارد که ضمانت اجرایی و پیش‌برد آن یگانهای مسلح زنان (YPJ) و مردان (YPG) و خودگردانی‌های (کمون‌ها) مردمی و حضور و پشتیبانی‌های انترناسیونالیستی از کاتالونیا در اسپانیا و فرانسه و آلمان و دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی و آسیایی ووو و جنبش زاپاتیستها در مکزیک هستند." [۴]

سرمایه داری بوی خون، کثافت، جنگ، بربریت و... میدهد. بیش از هر زمان دیگری آینده نه تنها طبقه کارگر بلکه بشریت در دستان طبقه کارگر است. چرا که تنها این طبقه اجتماعی قادر به انجام انقلاب کمونیستی جهانی است. تنها با به زیر کشیدن سرمایه داری از طریق انقلاب کمونیستی است که طبقه کارگر میتواند به تباهی روزانه انسانها در جای جای این کره خاکی پایان دهد و یک نظامی شایسته کرامت انسانی، نظامی شایسته بشریت، یک جامعه بدون طبقه ارائه دهد و کل بشریت را از توحش و کثافات سرمایه داری نجات دهد.

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

م جهانگیری

۲۹ آبان ۱۴۰۱

توضیحات:

[۱] حزب توده و سازمان اکثریت نقش مهمی در تثبیت بورژوازی اسلامی داشتند تا سطح زائده‌های اطلاعاتی بورژوازی اسلامی پیش رفتند. مخصوصاً سازمان اکثریت در لو دادن اعضای دیگر جریان‌های سیاسی و همکاری نزدیک اطلاعاتی با ارگانهای اطلاعاتی نقش داشت.

[۲] در سال ۱۳۵۷ بورژوازی جهانی برای جلوگیری از رادیکال شدن اعتراضات کارگری جابجائی در روبنای دستگاه سیاسی را ضروری دید. لذا کشورهای آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه کنفرانس «گوادلوپ» را برگزار کردند و بورژوازی اسلامی (خمینی) جانشین بورژوازی سلطنتی شد.

[۳] نشست امنیتی هالیفاکس

[۴] موقعیت انقلابی، اداره‌ی شورایی!

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

<https://www.internationalistvoice.org>

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

توییتر:

https://twitter.com/int_voice